



NATIONAL CONCILIATION OF IRAN MOVEMENT

<http://www.ashti.org> ashtimelli@hotmail.com

TEL/FAX : + ۳۳ ۳۲۰ ۲۰۹ ۵۷۲

جبهه جمهوریخواهان ایران

تشکیل نهادی ملی در جامعه سیاسی که بیانگر خواست و آرمان ملی - میهنی ما ایرانیان و ایزاری سیاسی برای به تحقق رساندن این خواست و آرمان باشد ، همواره دغدغه ما در جنبش آشتی ملی بوده است ، و امروز نیز در این لحظات خطیر می باشد . خواست و آرمان ملی را ما دستیابی به فضایی آزاد و دموکراتیک بر اساس قوانین بشری در لوای یک « جمهوری » عرفی ، دموکراتیک و مردم سالار در میهنمان ایران می دانیم و تحقق این خواست و آرمان ملی را تنها در براندازی نظام غیر مشروع و ضد بشری جمهوری اسلامی بتوسط نیروی سیاسی ایرانی دموکراتیک و در حرکتی سیاسی منسجم و سازمان داده شده برای مدیریت جنبش ملی ، می بینیم .

در مبحث نامشروع بودن و ضد بشری بودن جمهوری اسلامی نیازی به کلام تکراری نیست . همگان بخوبی آگاهند که مردم ایران در اکثریت نسبتاً مطلقاً رژیم آخوندی را اصلاح ناپذیر و جنایتها و خیانتهای سردمداران و مجریان این رژیم را نابخشودنی می دانند . آنچه می تواند امروز به بحث گذاشته شود تنها چگونگی سرنگون سازی این رژیم و آینده ایران می باشد و بس .

خوشبختانه بسیاری از فرهیختگان و صاحب نظران آزادخواه و دموکراسی طلب جامعه سیاسی ایرانی امروز به این باور رسیده اند که جنبش ملی جامعه ایرانی نیازمند سازماندهی و تشکل و ورود به مرحله عمل می باشد و دیگر نمی توان به اصلاحات رو بنایی در رژیم و به انفعال سیاسی در اپوزیسیون بسنده نمود . ما نیز همچنان که همواره یاد آور شده بودیم این نیاز را ضروری و حیاتی می شماریم و همراهی و همسویی را در این مسیر برای دستیابی به این تشکل سیاسی وظیفه ملی خود می دانیم . تشکل جبهه ای متشکل و منسجم از تمامی جمهوریخواهان ایرانی همچنان که صاحب نظرانی چون آقای محمد حسینی پیشنهاد نموده اند در راستای اهداف سیاسی ما بوده و بر پایه آنچه ما در پیمان ملی و طرح آشتی ملی در جنبش آشتی ملی بیان نموده ایم برپایی این تشکل را بر اساس سه اصل زیر می بینیم :

اصل یکم :

رژیم جمهوری اسلامی دشمن ملی - میهنی مشترک ، نا بخشودنی و اصلاح ناپذیر است و براندازی آن ضرورتی اجتناب ناپذیر می باشد . برای نیل به این خواست ملی تنها ایمان و بهره گیری از نیروی مردم و همبستگی در جنبشی ماورای انگیزه های عقیدتی و گروهی راه چاره سیاسی است .

اصل دوم :

ایمان و اعتقاد به حقوق بشر و تعهد به احترام و پاسداری از اصول آن ، نقطه آغازین شکل سیاسی و سرلوحه مبارزه برای رهایی مردم ایران از استبداد حاکم خواهد بود .

اصل سوم :

مردم ایران خواستار حکومت مردم بر مردم بوده و رشد و تکامل جامعه در برقراری دموکراسی بر اساس اصول حقوق بشر می باشد . برای رسیدن به این هدف ، احترام و پاسداری از اصول دموکراسی در مرحله مبارزه و در مرحله تنظیم و تدوین ساختار نظام جایگزین لازم و ضروری است .

در منشورها ، میثاقها و همینطور پیمان ملی پیشنهادی آشتی ملی و دیگر طرحهایی که تا به امروز برای بیان چگونگی همبستگی ملی از جانب صاحب نظران و دست اندرکاران جامعه سیاسی اپوزیسیون ارائه داده شده است ، کمابیش می توانیم اصول یاد شده را بیابیم . در مورد لازمه اعتقاد و پایبندی به اصول حقوق بشر اتفاق نظر موجود است ولی در دو مورد مبارزه قاطعانه با رژیم جمهوری اسلامی و ساختار نظام جایگزین ، اختلاف نظرها موجب پراکنده گی و سکون سیاسی و یا حداقل موجب کند شدن روند جنبش آزادیخواهی گردیده است .

نظر جنبش آشتی ملی ، همچنان که در گذشته نیز به اطلاع عموم هم میهنان رسانده ایم ، بر این است که با توجه به تمامی داده های اجتماعی و سیاسی ، حرکت در راه برقراری یک جمهوری سکولار ، دموکراتیک ، و مردم سالار بهترین راه برای استقرار آزادی در کشورمان در حال حاضر میباشد . در عین حال ما عمیقاً معتقدیم که اگر این حرکت در حد بیان آمال و آرزوها و تشکیل گروههای روشنفکری و یا تخصصی که وقت خود را صرف صحبتهای بارها گفته شده و یا آنچه که مسئله اصلی نیست نمایند ، باقی بماند و هدف خود را آگاهی رسانی توأم با حرکتی حساب شده و قاطع در جهت سرنوشتی رژیم اسلامی ننماید ، این حرکت حرکتی رها ساز برای مردم نخواهد بود . در مورد حرکت قاطع در جهت سرنوشتی رژیم اسلامی منظور ما تشکیل هسته های مقاومت ، جمع آوری کمکهای مالی برای کمک به جنبش آزادیخواهی در داخل کشور و حمایتهای مادی و معنوی از آن ، و در نهایت ایجاد پیوندی عمیق بین مبارزین داخل و خارج از کشور بمنظور برپایی اعتصابها در سطح ملی بمنظور فلج نمودن رژیم اسلامی و براندازی کامل آن در تمامی ابعاد اقتصادی ، اجتماعی ، و سیاسی میباشد . در کنار این هدف اصلی و بمنظور آماده ساختن جنبش برای برقراری نظم و ارائه راههای اقتصادی چاره ساز پس از سرنوشتی رژیم اسلامی ، ایجاد گروههای تخصصی بجا و لازم میباشد .

مسئله دیگری که گریبانگیر جامعه سیاسی ما و حتی و شاید در برخی موارد بخصوص در مورد برخی فرهیختگان سیاسی ما میباشد این است که این افراد میخواهند که حتما مارک ایشان بر روی پیشنهادات سیاسی باشد تا به اصطلاح نام ایشان در اذهان جایگزین گردد . به این خاطر با تفرعن پشت به بسیاری پیشنهادات و

حرکت های مفید به حال جنبش مینمایند و پس از چندی خود همان پیشنهادات را با کمی رنگ عوض کردن از جانب خود دوباره عرضه میکنند و قسم های موکد میخورند که جز خدمت به مردم هدف دیگری ندارند . این تنگ نظری ها ضربات جدی به جنبش آزادیخواهی زده و باید این آفت از جامعه سیاسی ما رخت بر بندد وگرنه چه جمهوری و چه هر قالبی که این نوع حرکت در داخل آن رشد نماید جز دیکتاتوری و فردپرستی هدیه ای برای مردم به ارمغان نخواهد آورد و دوباره کاریهای مکرر ، که در برخی موارد بنظر میرسد بمنظور کسب نام انجام میگردد ، موجب کندی روند آزادیخواهی گردیده است . ما به شدت با این نوع خود محوری مخالف و با آن مبارزه میکنیم .

اگر منظور از تشکیل جبهه جمهوریخواهی آن است که در بالا به آن پرداختیم ما با کمال میل خود را از پیش جزئی از آن دانسته و کماکان پشتیبان آن خواهیم بود . ما بر این باوریم که اعتقاد راسخ و حقیقی به اصول دموکراسی و ملی گرایی ایجاب می کند که بدون توجه به اختلاف نظرها و برداشتهای سیاسی ، در هنگام بحرانی ملی چون وضعیت امروز ، بدور هم گرد آییم و با مذاکره با یکدیگر راه حلی مناسب و کارساز را مشترکا اتخاذ کنیم . در این راستا تشکیل جبهه جمهوریخواهان را ما تلاشی مثبت می دانیم و برای دستیابی به این تشکل ملی ، با توجه به مسائل مطرح شده در بالا ، از هیچ کوششی دریغ نخواهیم نمود .

جنبش آشتی ملی
۴ فروردین ماه ۱۳۸۲